

Le Cinéma Français et la "Question du Nouveau"

23 - 27 Dec. 2020

استفان بریزه
مارگریت دوراس
آلن رنه
اریک رومر
ژاک ریوت
نیکولاس فیلیبر

حسام امیری
عادل مشایخی
صالح نجفی

Stéphane Brizé
Marguerite Duras
Nicolas Philibert
Alain Resnais
Jacques Rivette
Éric Rohmer

Hesam Amiri
Adel Mashayekhi
Saleh Najafi

سینما و امر نو

بانگاهی به سینمای فرانسه

۳ تا ۷ دی ماه ۹۹

www.lemkan.com

سینما و امر نو

با نگاهی به سینمای فرانسه

طرح اولیه این برنامه مدت‌ها پیش از شیوع کرونا برنامه‌ریزی شده بود و امیدوار بودیم بتوانیم از این طریق جلسات فیلم امکان را گسترش دهیم و فضای بیشتری برای شکل‌گرفتن جمع‌های تازه به‌وجود آوریم، چرا که برخلاف هنرهای هم‌چون نقاشی و عکاسی که به‌خصوص در ایران مخاطبان خاص و محدود خود را دارند، سینما می‌توانست محملی گسترده‌تر باشد برای اندیشیدن به مسائل مشترک.

با این حال، مشکلات مختلفی که با شیوع کرونا پیش آمد ما را به سمت نمایش آنلایین سوق داد. برایمان مسلم بود که کار را باید با سینمای فرانسه آغاز کرد، جایی که سینما در آن متولد شده و بخش مهمی از لحظه‌های درخشان زندگی‌اش در آنجا تحقق یافته. خوشبختانه با لیستی که در اختیارمان قرار داده شد تا بتوان در مدتی کوتاه اجازه پخش‌شان را گرفت کار سخت انتخاب شش فیلم از این جغرافیای خاص کمی راحت‌تر شد اگر چه فیلم‌ها و کارگردان‌های مهمی کنار گذاشته شدند که امیدواریم در برنامه‌های بعدی بتوانیم به آنها بپردازیم. معرفی کوتاهی از این شش فیلم در ادامه متن آمده است.

در این برنامه علاوه بر نمایش فیلم تلاش کردیم در قالب سخنرانی از سه منظر نسبتاً متفاوت به سینما پرداخته شود و از هر سخنران درخواست کردیم به یکی از این شش فیلم هم بپردازند.

Le Cinéma Français et la "Question du Nouveau"

استفان بریزه
مارگریت دوراس
آلن رنه
اریک رومر
ژاک ریوت
نیکولاس فیلیبر

حسام امیری
عادل مشایخی
صالح نجفی

Stéphane Brizé
Marguerite Duras
Nicolas Philibert
Alain Resnais
Jacques Rivette
Éric Rohmer

Hesam Amiri
Adel Mashayekhi
Saleh Najafi

سینما و امر نو

بانگاهی به سینمای فرانسه

۳ تا ۷ دی‌ماه ۹۹

www.lemkan.com

23 - 27 Dec . 2020



سینما، ساخت فرانسه

حسام امیری در این بخش سعی می‌کند از طریق مقایسه‌ی سینمای آمریکا و فرانسه (دو نقطه کانونی تولد سینما) تمایز این دو جهان سینمایی را تعریف کند: در آمریکا سینما هیچ «خارج»ی ندارد. آمریکا یعنی سینما، سینما یعنی آمریکا. در حالی که در فرانسه «خارج سینما» و «نا-سینما» چه در قالب سنت ریشه‌دار هنرهای دیگر و چه به لحاظ جهان‌بینی کلی اروپایی-فرانسوی حضوری پررنگ دارد. در این بحث، پیامدهای قابل تامل این تفاوت به تفصیل دنبال می‌شود تا تعریفی از این دو سینما ارائه شود.

نقشه فرار ریوت: شانس، راز، توطئه

در بخش دوم حسام امیری به فیلم پل شمال ژاک ریوت و جهان هزارتوی ریوت می‌پردازد. مسئله‌های اصلی که در این بحث به آن پرداخته می‌شوند از این قرارند: ریوت چطور در دوره‌ی خفقانی که به دنبال سرکوب مه ۶۸ بر فرانسه حاکم شد و بسیاری از ایده‌های رهایی‌بخش با شکست مواجه شده‌بودند به آزادی و امکان خلق امر نو در سینما می‌اندیشید؟ در مقابل پاریس امنیتی آن زمان، پاریس ریوت چه امکان‌هایی را زنده می‌کند؟ و در نهایت راه حل ریوت چه بوده برای اینکه از ایده‌های خشک و تجویزی بگریزد و در عین حال به دام فرمالیسم نیفتد؟



کمون‌های سینمایی

صالح نجفی در این بخش ضمن اشاره به نمونه‌های مختلف، فیلم کمون (پاریس، ۱۸۷۱) پیتر واتکینز ساخته سال ۱۹۹۹ را کانون بحث خود قرار می‌دهد و ضمن تشریح حال و هوای حاکم بر عرصه سیاست فرانسه و نیز جریان‌های سینمایی در فرانسه آن زمان به این مسئله‌ی مهم می‌پردازد که راه‌حل واتکینز برای به تصویر کشیدن واقعه‌ای چون کمون پاریس چه بوده و چگونه این فیلم از لحظه‌ی انتخاب بازیگر تا لحظه‌ی توزیع و پخش آن ملهم از ایده‌هایی بوده که در خود کمون پاریس بالیده‌اند.

از فرانسواز تا فرانسواز: دوپارگی حافظه تاریخی فرانسه بعد از جنگ

صالح نجفی در این بخش به سراغ فیلم «شب من در خانه مود» اریک رومر می‌رود. فیلم عمدتاً ماجرای دو راهی است که شخصیت اصلی فیلم در مواجهه با دو زن اصلی داستان با نام فرانسواز و مود تجربه می‌کند. فرانسواز داستان زنی است با موهای بلوند و شمایل غربی و مود زنی است با موهای مشکی و شمایلی الجزایری که بازیگر الجزایری-فرانسوی با نام هنری فرانسواز فابیان نقش آن را بازی می‌کند. صالح نجفی با اشاره به دو قطبی فرانسواز داستان و فرانسواز هنرپیشه و با وام‌گیری از آنچه آنری روسو نظریه‌پرداز فرانسوی «سندروم ویشی» در فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم می‌خواند به تشریح دوپارگی حافظه فرانسوی می‌پردازد و با اشاره به مورالیست‌های فرانسوی مدنظر اریک رومر تعریفی از مورالیتی پیشنهاد می‌دهد که مطابق آن پاسکال را می‌توان یک لیبرتن و مود را همزاد مونث او به‌شمار آورد.

دلوز، سینما، پرولتاریا



عادل مشایخی در بحثی مفصل به تشریح این نکته می‌پردازد که مسئله‌ی فلسفی ژیل دلوز، فیلسوف فرانسوی معاصر، چه بوده که در دو کتاب سینمای خود به سراغ سینما و مفاهیمی مثل حرکت و زمان رفته است. پیشنهادی که در این بحث طرح می‌شود این است که مسئله را به صورت رابطه میان اندیشه و سینما ببینیم، اندیشیدن «با» سینما چگونه ممکن است و سینما در مقام نا-فلسفه چه کمکی به فلسفه می‌تواند بکند. اگر همان‌طور که دلوز گفته قدرت سینما در این است که می‌تواند نسبت از هم‌گسسته میان جهان و انسان مدرن را بازآفرینی کند از چه طریقی این کار را انجام می‌دهد؟ صورت‌بندی‌های دیگر این مسئله هم در جریان بحث طرح می‌شوند: چه نسبتی میان اندیشه و عمل می‌تواند از زنجیره‌ی عادت‌ها و شاکله‌ی حسی-حرکتی فراتر برود و فضایی از امکان‌هایی بی‌سابقه ایجاد کند؟ چگونه می‌توان به شکلی درون‌ماندگار به هستی اندیشید و گرفتار بازنمایی نشد؟ چه نسبتی می‌تواند میان جزء و کلی گشوده برقرار باشد؟

این بحث ضمن تشریح این مفاهیم، مسئله مهم دیگری را هم طرح می‌کند. اگر مفهوم طبقه نزد دلوز مفهومی مولار به شمار می‌آید چه تعریفی از پرولتاریا در فلسفه او حفظ می‌شود؟ با اتکا به مفهوم محوری «وضعیت نوری-صوتی ناب» در کتاب سینما دو دلوز به منزله‌ی تنگنایی که در آن کنش action (به معنای رفتار عادت‌مند و مطابق شاکله حسی-حرکتی) ناممکن می‌شود، و فضای امکان‌های بی‌سابقه‌ای برای عمل act (حرکت در جهت تغییر وضعیت و خلق امر نو) گشوده می‌شود، تعریف دیگری از پرولتاریا طرح می‌شود که دیگر مجموعه‌ای صلب با شرط تعلق خاص نیست و در نسبت با وضعیت پرولتاری معنا می‌یابد. در خلال این بحث به فیلم عیار انسان (قانون بازار) ساخته استفان بریزه و فیلم‌های دیگری از تاریخ سینما پرداخته می‌شود.

BULLE OGIER / PASCALE OGIER



le PONT du NORD

mise en scène JACQUES RIVETTE

avec PIERRE CLEMENTI et JEAN-FRANCOIS STEVENIN

image WILLIAM LUBCHANSKY, son GEORGES PRAT, collaboration SUZANNE SCHIFFMAN, dialogue JEROME PRIEUR
une coproduction LES FILMS DU LOSANGE / LYRIC INTERNATIONAL / LA CICILIA, distribution GERICK.

پل شمال

۱۲۹ دقیقه | رنگی | ۱۹۸۱

ژاک ریوت

اگر هدف از نوشتن خلاصه داستان فیلم ترسیم طرحی از جهان فیلم و به دست دادن سرنخی برای دنبال کردن آن باشد، بدترین کار برای مواجهه با این فیلم این است که خلاصه‌ای از داستان آن ارائه کنیم. جستجوی خط داستانی معمول در این فیلم درست مثل این است که بخواهیم انتظارمان از نقاشی‌های پل کله یا ژان دوبوفه را با نقاشی‌های داوینچی یا رافائل تنظیم کنیم یا «آلیس در سرزمین عجایب» را با همان معیارهایی بخوانیم که «جنگ و صلح» را. احتمالاً بچه‌هایی که هنوز منطق حاکم بر دنیای معمول بزرگسالان در جهان‌شان رسوخ نکرده باشد، لذت بیشتری از این فیلم خواهند برد.

ولی برای ما بزرگ‌ترها که ممکن است به تلنگری احتیاج داشته باشیم تا با جهان فیلم درگیر شویم شاید یادآوری این نکته کمک کند که ژیل دلوز فیلسوف فرانسوی در کتاب سینما دو جهان ریوت را جهان «فانتزی‌ها، خاطره‌ها و شبه‌خاطره‌ها» و «قصه‌ها و بازی‌های کودکان» (۱۰: ۲۰۰۵) می‌خواند و در مقاله‌ای که راجع به سینمای ریوت برای کایه‌دوسینما نوشته می‌گوید «اگر توطئه‌های سیاسی، حقوقی و پلیسی که به ما حقنه شده کافی است تا نشان‌مان دهد جهان واقعی به فیلمی مزخرف تبدیل شده، حالا این وظیفه‌ی سینماست که به ما تکه‌ای از واقعیت، تکه‌ای از جهان را عرضه کند.»

ریوت که بین سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۵ از سردبیران مجله کایه‌دو سینما بود، بعدها با بازنشر مقالاتش مخالفت کرد چون بسیاری از آنها را دیگر قبول نداشت و به قول جان‌اتان روزنباوم احتمالاً ترجیح می‌داد نقدهای سینمایی‌اش را در فیلم‌هایی که می‌سازد اعمال کند، فیلم‌هایی که ریوت تاکید داشت مثل هر فیلم دیگری هیچ‌وقت حاصل کار یک نفر نیستند و دست‌کم پانزده‌نفر را باید مولف آنها به‌شمار آورد.

برای دیدن لیست کامل عوامل فیلم به لینک زیر مراجعه کنید:

imdb.to/3r7mCAf

bit.ly/38ecfC5 -۱

bit.ly/38fIPDB -۲



SÉLECTION OFFICIELLE
COMPÉTITION
FESTIVAL DE CANNES

NORD-OUEST PRÉSENTE

VINCENT LINDON

la loi du marché

UN FILM DE
STÉPHANE BRIZÉ

PRODUIT PAR CHRISTOPHE ROSSIGNON ET PHILIP BOÉFFARD
SCÉNARIO ET DIALOGUES STÉPHANE BRIZÉ ET OLIVIER GORCE
PRODUCTEURS ASSOCIÉS VINCENT LINDON ET STÉPHANE BRIZÉ
PRODUCTEURS DÉVELOPPEMENT EYE FRANÇOIS MACHUEL ASSISTANT ÉRIC DUMONT MONTAGE ANNE KLOTZ ASSISTANT RÉALISATEUR ÉMILE LOUIS
COSTUME DESIGNER VALÉRIE SARADJIAN (ADCI) COSTUMES ANN DUNSFORD ET DIANE DUSSAUD (DM) EMMANUELLE VILLARD, HÉRVÉ GUYADER
CASTING CORALIE AMÉDÉO (ARDA) DIRECTEUR DE PRODUCTION KIM NGUYEN DIRECTEUR DE POST-PRODUCTION JULIEN AZOULAY
UNE COPRODUCTION NORD-OUEST FILMS, ARTE FRANCE CINÉMA AVEC LA PARTICIPATION DE CANAL+, CINE+, ARTE FRANCE, TS PRODUCTIONS
AVEC LE SOUTIEN DE LA RÉGION ÎLE-DE-FRANCE EN PARTENARIAT AVEC LE CNC

arte CANAL+ CINE+ *leodisFrance [K] diaphana



عیار انسان (قانون بازار)

۹۳ دقیقه | رنگی | ۲۰۱۵
استفان بریزه

تی‌یری مرد پنجاه و یک ساله‌ای است که بعد از بیست‌وپنج سال کار در کارخانه به همراه عده‌ی زیادی از همکارانش از کار اخراج می‌شود. تی‌یری که بیست ماه است نتوانسته شغلی پیدا کند، از جمع همکاران سابقش جدا می‌شود تا راه دیگری را پیش بگیرد. فیلم ماجرای تلاش‌های او برای یافتن شغلی جدید و چالش‌های اخلاقی مقابل اوست. او تا کجا می‌تواند وضع موجود را به تنهایی تاب بیاورد؟

استفان بریزه، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس فرانسوی این فیلم در مصاحبه‌ای می‌گوید: «من همیشه در فیلم‌هایم به روابط شخصی بین آدم‌ها می‌پردازم و حضور آدم‌ها در محیط اجتماعی‌شان چندان در فیلم‌هایم برجسته نبود. قدم بعدی این بود که سببیت سازوکارهایی... را بینم که بر جهان ما حاکمند، به همین دلیل بر آن شدم که انسانیت یک شخصیت را - مردی شکننده که هیچ امنیت شغلی ندارد - در کنار خشونت جامعه‌مان قرار دهم. فیلم‌نامه را با اولیور گورس نوشتم... چشم‌انداز او و تحلیل‌هایش از اوضاع سیاسی و اجتماعی بسیار درخشانند. او همسفری ایده‌آل برای این پروژه بود.»

جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره کن ۲۰۱۵ به هنرپیشه نقش اول این فیلم، ونسان لندون، رسید.

برای دیدن لیست کامل عوامل فیلم به لینک زیر مراجعه کنید:

[imdb.to/3p4eBdw](https://www.imdb.com/title/tt3044424/)

شب من در خانه مود

۱۱۰ دقیقه | سیاه و سفید | ۱۹۶۹

اریک رومر

ژان لوئی مهندس کاتولیکی است که سال‌ها خارج از کشور بوده و به تازگی به فرانسه برگشته است. او که حالا دیگر به دنبال آرامش است در شهر کوچک کلرمون مشغول به کار و در حومه شهر ساکن شده است. یکی از روزهای یکشنبه در کلیسای شهر نظر او به زنی با موهای بلوند جلب می‌شود و بی‌آنکه او را بشناسد در خیالش تصمیم می‌گیرد با او ازدواج کند. تا اینکه به شکل اتفاقی در رستوران شهر به یکی از دوستان قدیمی‌اش ویدال برمی‌خورد که استاد فلسفه دانشگاهی در همان شهر است. ویدال از او دعوت می‌کند کریسمس را در خانه دوستش مود بگذرانند، پزشکی که به تازگی طلاق گرفته است. آنها گرم صحبت در مورد عشق، مذهب و فلسفه می‌شوند و جذابیت مود که زنی با موهای مشکی است چالشی در امیال ژان لوئی ایجاد می‌کند.

«شب من در خانه مود» یکی از فیلم‌های مجموعه‌ی «شش حکایت اخلاقی» رومر است. در برنامه‌ای تلویزیونی که حول این فیلم ترتیب داده شده بود به جای اریک رومر (که از هنرنوع مصاحبه و حضور در رسانه‌ها بیزار بود) از ژان دوشه منتقد سینمایی دعوت شد تا در مورد فیلم صحبت کند. دوشه می‌گوید در هر یک از این شش فیلم، شخصیت اصلی خود را متعهد به یک رمزگان اخلاقی می‌داند و می‌خواهد با پیروی از قواعد آن مسیر زندگی‌اش را جهت ببخشد. معمولاً پای زنی در این داستان‌ها باز می‌شود که پر از شور و نشاط زندگی است با همه‌ی آن حوادث غیرمترقبه‌ای که در دل زندگی جریان دارد. و به این ترتیب راه پر پیچ و خمی در برابر شخصیت اصلی فیلم باز می‌شود. در فیلم شب من در خانه مود این قاعده، مذهب کاتولیک است. دوشه در این مصاحبه بر رئالیسم خاص رومر و جنبه‌های مستند این فیلم تأکید می‌کند. رومر اصرار داشت فیلم را در شهرستان کوچکی بسازد که مردمش به دلیل وقت بیشتری که دارند می‌توانند ساعت‌ها پای میز شام به بحث‌های فلسفی و دینی پردازند، اتفاقی که در پاریس به ندرت رخ می‌دهد. به علاوه رومر اصرار داشت آدم‌هایی که در کلیسا یا در کارخانه حاضر شده‌اند آدم‌های واقعی باشند، نه سیاهی لشکر و نسبت به نحوه‌ی ثبت دقیق جغرافیایی که فیلم در آن اتفاق می‌افتاد بسیار حساس بود!

برای دیدن لیست کامل عوامل فیلم به لینک زیر مراجعه کنید:

imdb.to/3r7rqWA

bit.ly/3p0Oww1 - ۱



LES FILMS DU LOSANGE Barbet Schroeder - Pierre Cottrell présentent

JEAN LOUIS TRINTIGNANT
FRANÇOISE FABIAN

ma nuit chez maud

film d'ERIC ROHMER

avec
MARIE CHRISTINE BARRAULT · ANTOINE VITEZ
images de Nestor Almendros
son de Jean Pierre Ruh

distribution C.F.D.C./U.G.C./SIRIUS/CONSORTIUM PATHE

UNIVERSAL





زندگی رایلی (عشق ورزیدن، نوشیدن و آواز خواندن)

۱۰۸ دقیقه | رنگی | ۲۰۱۴

آلن رنه

حین تمرین یک نمایش خبر بدی به کالین و کترین می‌رسد: دوست آنها جورج رایلی سرطان گرفته و چندماه بیشتر زنده نیست. زندگی سه زوج تحت تاثیر این ماجرا و پیامدهای بعدی آن قرار می‌گیرد.

آلن رنه در آخرین اثرش دوباره به سراغ نوشته‌ای از نمایشنامه‌نویس انگلیسی محبوب خود، آلن اکبورن، می‌رود تا دلمشغولی همیشگی‌اش را بار دیگر به آزمون بگذارد: مناسبات؛ مناسبات انسانی و البته مناسبات میان فرم‌های مختلف هنری، چون از دید رنه آنجا که فرم نیست احساساتی هم وجود ندارد. چه می‌شود اگر عنصر جدیدی وارد زندگی سه زوجی شود که در عادت‌هایشان غرق شده‌اند؟ چه می‌شود اگر کمیک‌استریپ، تئاتر، موسیقی، نقاشی و غیره با سینما برخورد کنند؟ حتی اگر چنین کاری همیشه جواب ندهد، رنه هیچ‌وقت از آزمون دست نکشید و همواره به تصادف و امکان خلق امر نو باور داشت.

و البته می‌توان پرسید چه می‌شود اگر کارگردان فیلمی که در مورد مرگی قریب‌الوقوع است سه هفته بعد از اولین اکران آن از دنیا برود؟ آیا این اتفاق بر جهان خود فیلم تاثیری می‌گذارد؟ در این فیلم ساین آزما (هنرپیشه اغلب فیلم‌های رنه و همسر او) و دیگر هنرپیشه‌های فیلم‌هایش که دوستان نزدیک او هم بوده‌اند بازی می‌کنند.

برای دیدن لیست کامل عوامل فیلم به لینک زیر مراجعه کنید:

imdb.to/38aodwN

LE NAVIRE NIGHT



ÉCRIT ET RÉALISÉ PAR
MARGUERITE DURAS
AVEC
DOMINIQUE SANDA
BULLE OGIER
MATHIEU CARRIÈRE

کشتی «شب»

۹۰ دقیقه | رنگی | ۱۹۷۹

مارگریت دوراس

داستان عشقی پرشور که پای تلفن شکل می‌گیرد.

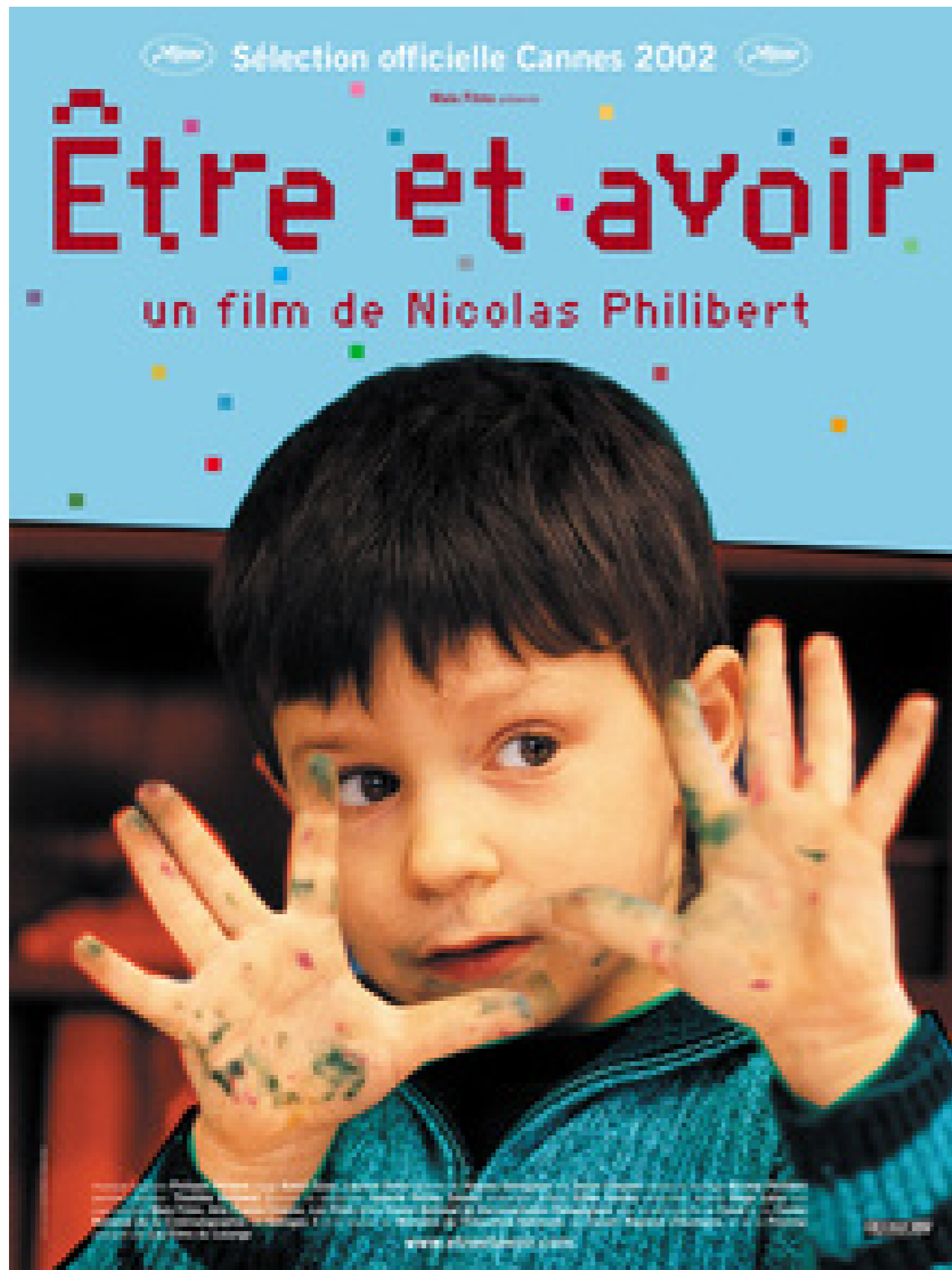
مارگریت دوراس سال ۱۹۷۸ متن کوتاهی با همین نام منتشر کرد. ده ماه بعد تئاتر و فیلم آن را ساخت که همزمان به نمایش در آمدند. فیلم داستان زن و مردی است که به طور اتفاقی با شماره‌ای ناشناس با هم تماس می‌گیرند و تماس‌های آنها مدام طولانی‌تر و صمیمانه‌تر می‌شود بدون آنکه حضوری فیزیکی در کار باشد. فیلم این عدم حضور را با غیاب فیزیکی شخصیت‌ها به نمایش می‌کشد. صدای دوراس و بنوا ژاکوت (کارگردان فرانسوی) روی تصاویری از رود سن، جنگل بولونی و گورستان پرلاشز شنیده می‌شود و گاهی هنرپیشه‌ها، متیو کریر، بول اژیو و دومینیک ساندا را می‌بینیم که در حال گرم شدن برای فیلمی هستند که هیچ‌وقت آن را نمی‌بینیم. دوراس اگرچه دلمشغولی همیشگی‌اش نسبت به زبان و کلمه را حفظ کرده، با استفاده از رسانه‌های مختلف نحوه‌ی ظهور متفاوت آنها را به آزمون گذاشته است. صدا دیگر زیر سیطره‌ی تصویر نیست و هر دو استقلال خود را حفظ کرده‌اند. میلی پرشور از خلال صدا شکل می‌گیرد و منتقل می‌شود، در حالی که تصویر با ناسازگاری‌اش با صدا جهانی متفاوت را در برابرمان ظاهر می‌کند. اوج این ماجرا شاید جایی است که لباس ویتنامی سرخی را می‌بینیم در حالی که صدا از شوری جسمانی سخن می‌گوید.

میشل کورنه فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان فرانسوی در مورد این فیلم می‌گوید: «بالاخره چشم‌ها می‌بینند و لمس می‌کنند»

برای دیدن لیست کامل عوامل فیلم به لینک زیر مراجعه کنید:

[imdb.to/2WxDnXi](https://www.imdb.to/2WxDnXi)

1- In Michelle Royer, The Cinema of Marguerite Duras: Multisensoriality and Female Subjectivity, Edinburgh University Press, 2019, p 65.



بودن و داشتن

۱۰۴ دقیقه | رنگی | ۲۰۰۲ | مستند

نیکولاس فیلیبر

در فرانسه هنوز هم می‌توان مواردی از «مدارس تک کلاس» پیدا کرد: کلاس‌هایی که همه‌ی بچه‌های دهکده دور یک معلم جمع می‌شوند. از مهدکودک گرفته تا سال آخر ابتدایی. این گروه‌های کوچک، انزوا و گشودگی به جهان را همزمان تجربه می‌کنند و -خوب یا بد- زندگی روزمره‌ی خود را با هم به اشتراک می‌گذارند. این فیلم در یکی از این مدارس فیلم‌برداری شده است، جایی در قلب منطقه کوهستانی اورنه و در مدرسه‌ای که معلم آن جورج لوپز قرار است به زودی بازنشسته شود.

مستند «بودن و داشتن» نامش برگرفته از دو فعل کمکی رایج زبان فرانسه است که همان سال‌های اول مدرسه نحوه صرف آن را به بچه‌ها یاد می‌دهند. فیلیبر علی‌رغم اینکه فلسفه خوانده می‌گوید به هیچ‌وجه دوست ندارد برای ساختن مستند در مورد موضوع آن مطالعه کند، چون با این کار شما مدام تشویق می‌شوید که بیشتر و بیشتر بخوانید و در نهایت زندانی دانسته‌هایتان می‌شوید، تبدیل می‌شوید به معلمی که می‌خواهد از جایگاه کسی که می‌داند به بقیه چیز بیاموزد. و این جایگاهی نیست که او در مقام فیلمساز به دنبالش باشد! اگرچه پیشینه‌ی کارگردان حتما در فیلم حاضر است ولی همین مسئله باعث شده با فیلمی بی‌پیرایه مواجه باشیم که دنیای کودکی را با همه پیچیدگی‌هایش در برابرمان حاضر می‌کند.

برای دیدن لیست کامل عوامل فیلم به لینک زیر مراجعه کنید:

[imdb.to/3p4hwD0](https://www.imdb.com/title/tt0285338/)

bit.ly/3gV7lOm -۱

فیلم‌ها مجوز یک‌بار اکران دارند و طبق برنامه در وبسایت امکان قابل مشاهده هستند. سخنرانی‌ها هم‌زمان با پخش در وبسایت در صفحه‌ی اینستاگرام هم پخش می‌شود.

اینستاگرام: [emkanofficial](#)

وبسایت: www.1emkan.com

عکس به کار رفته در پوستر صحنه‌ای از فیلمی ساخته ژاک ویلمونت است.^۱ کمی بعد از مه ۶۸ جمع کوچکی از دانشجویان سینما برای فیلم‌برداری از اعتصابات کارگران به کارخانه واندر می‌روند ولی کارگران تصمیم گرفته‌اند با اندکی افزایش مزد به سر کار برگردند، همه، به جز یک زن - همان چهره‌ی حاضر در عکس - که فریاد می‌زند: «من بر نمی‌گردم. من بر نمی‌گردم. دیگر حاضر نیستم پایم را در آن زندان نکبت بگذارم» و نمایندگان سندیکا هم نمی‌توانند او را راضی کنند.

توضیح بیشتر در سایت وی‌تاسکوپ: bit.ly/37sgoDs

با تشکر از:

سیاوش آقازاده، حسام امیری، میریام پاواژو، نوشین شفیعی، پگاه طاهری، آماندین گاسپار، سعیده مرادی، محمد وافری

1- La reprise du travail aux usines Wonder

